info@payamdaily.ir

تحریریه روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۷۱۱
سه‌شنبه ۲۰/ بهمن/ ۱۴۰۴
۱۹ / شعبان / ۱۴۴۶
18 / February / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۳، ۰۲۶-فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

گل عزیز است غنیمت شِمُر یدَش صحبت
که بـه باغ آمـد از این راه و از آن خـواهد شد
مطربا مجلسِ انس است غزل خوان و سرود
چند گویی که چنین رفت و چنان خواهد شد؟

حافظ

به جان شـو ساکن کعبه
بیابان چند پیمایی
چو نبود قرب روحانی چه
سود از قطع منزل‌ها
جامی

فال روز

اذان صبح: ۰۵:۲۳
طلوع آفتاب: ۰۶:۴۸
اذان ظهر: ۱۲:۲۰
غروب آفتاب: ۱۷:۵۱
اذان مغرب: ۱۸:۱۰

برگه

تراژدی زندگی این است که ما خیلی زود پیر و خیلی دیر عاقل می‌شویم...

بنجامین فرانکلین

اشاره

عبرت‌های یک سازش

سرگذشت و سرانجام «یاسرعرفات» که به عنوان اولین میهمان خارجی و رسمی انقلاب اسلامی و نماد مقاومت فلسطین به ایران آمد در روزهای برحادثه و پرماجرای امروز می‌تواند عبرت‌آموز باشد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از قدس، مرور زندگی شخصیتی که روزگاری پرچم مقاومت و تسلیم‌ناپذیری را برابر صهیونیست‌ها بالا برده بود، تلاش می‌کند که در ماجرای فلسطین و در قالبوس اسرائیل و آمریکا چیزی به نام صلح کشور مستقل فلسطین، پیمان‌های بین‌المللی و... معنایی ندارد. اتفاقاتگران و حامیانشان به کمتر از محو فلسطین و فلسطینی‌ها راضی نمی‌شوند و هنوز هم خواب روزی را می‌بینند که جهان از ممدانی «مقاومت» خالی شده باشد.

استقبال بافاتنوم

هواپیما ساعت ۴ بعدازظهر روز ۲۸ بهمن سال ۱۳۵۷ از دمشق پرواز کرده بود تا بی‌خبر و بدون اعلام، یاسرعرفات را به تهران ببرد. در آسمان ایران و حتی فرودگاه تهران، هیچ کس منتظر عرفات و همراهانش نبود. بنابراین خیابان و ساختمان‌های خیابانی زود متوجه شدند که ۶ فاتنوم آن‌ها را محاصره کرده‌اند. «بلال الحسنه» نویسنده و خبرنگار روزنامه «السفیر» لبنان که از جمله سرنشینان آن روز هواپیما بود بعدها گفت: «خلبان‌های فاتنوم‌ها پس از آنکه متوجه شدند مسافران هواپیما همگی فلسطینی هستند، با علامت «لا» به ما سلام دادند. یاسرعرفات، ابتدا از پرواز ۶ فاتنوم نگران شد اما وقتی آن‌ها بر گشتند گفت: این برای اولین بار است که ۶ هواپیمای فاتنوم ساخت آمریکا را می‌بینیم، بدون اینکه قصدشان از بین بردن ما باشد... موقع فرود، برج مراقبت، استقبال نمی‌داد. اما بعد از شناسایی این اجازه صادر شد. البته هنوز نمی‌دانستند که یاسرعرفات در میان ماست.» یاسعه غیرمترقبه و مخفیانه بودن ماجرای سفر عرفات به ایران، دهها نفر در محوطه و سالن فرودگاه حضور داشته و شمار می‌دانند. طوری که یاسرعرفات به سختی توانست از میان آن‌ها عبور کند و بعد خطاب به افرادی که برای استقبال تقریباً رسمی آمده بودند حرف‌هایی زد که جزو بی‌ابتدائی و افتخار از آن به مشام نمی‌رسید: «السلام، وقتی که به منزل خودش می‌آید احتیاج به اجازه ندارد. امروز، یکی از روزهای بزرگ پیروزی مسلمانان جهان است. انقلاب ایران برای فلسطین یک پیروزی بزرگ است... ایران و امام خمینی نشان دادند که امت ما هیچ‌گاه مـــر قدر نخواهد آورد. ما امام خمینی را رهبر و پیشوای اول خودمان می‌دانیم.»

روزی که پرچم را بالا برد

یاسرعرفات سال ۱۹۲۹ در محله «السکاکین» قاهره به دنیا آمد. پس از چند بار رفت و آمد میان مصر و فلسطین از ۱۷ سالگی و دوران دانشجویی در قاهره وارد فعالیت‌های سیاسی شد.

جنگ و گریز با انگلیسی‌ها و بعد هم صهیونیست‌ها را در غزه و دوران بحران کانال سوئز. وقتی افسر ارتش مصر بود تجربه کرد و بنا به تحصیلاتش چند سالی در کویت شرکت مهندسی راه انداخت اما جلبه‌های سیاست و مسئله فلسطین برایش جذابیت بیشتری داشت. برای همین در سال ۱۹۵۸ در کنار «یوجهاد»، جنبش آزادی‌بخش فلسطین (فتح) را پایه‌گذاری کرد. کمی بعد تشکیلات بازتیزانی و تـکاوری خاصی را در گرانه باختری تدارک دید. کویت را ترک کرد و در سال ۱۹۶۴ با التفوذ تأسیسات تصفیه آب در اسرائیل، نخستین عملیات علیه صهیونیست‌ها را رقم زد.

یک سال پس از این عملیات «عرفات» دبیرکلی جنبش «فتح» را به عهده گرفت در حالی که با تجربیات خدمت در ارتش مصر، شاخه نظامی این تشکیلات را هم آموزش می‌داد.

از وقتی «فتح» را راه انداخت تا ۱۶ سـال بعد کسی کلمه «صلح» را از زبان او نشـنید. نخستین بار اما در سال ۱۹۷۴ وقتی به عنوان نماینده فلسطینی‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کرد. بعد از حرف زدن درباره ملت فلسطین و آرمان‌هایش گفت: «در یک دست شاخه زیتون دارم اما با دست دیگر سلاح برمی‌دارم و با اسرائیل می‌جنگم.» البته هیچ کس این جمله را چراغ سـبزی برای صلح با صهیونیست‌هایی دانست همان طور هم هیچ کدام از فلسطینی‌ها باور نمی‌کردند بنیان گذار «فتح» و جنگ مسلحانه با اسرائیل روزی پای توافق صلح و دوراقع سازش نامه با صهیونیست‌ها را امضا خواهد کرد!

وقتی که دست‌ها را بالا برد

روز ۲۶ بهمن ۵۷ عرفات و هیئت همراهش به دیدار امام(ره) رفتند. اتوبوسی که آن‌ها سوار شده بودند، اتوبوس تشریفاتی بود که در زمانی «مودی» میهمانان آمریکایی و اسرائیلی‌اش را جابه‌جا می‌کرد.

در این دیدار پس از سخنان یاسرعرفات که از پیروزی انقلاب اسلامی گفت و تأکید کرد «اسرائیل به آمریکا و پشتیبانی‌اش تکیه دارد و ما هم باید پشتیبان پیدا کنیم.» امام(ره) خطاب به او یادآور شد: «شاه هم تکیه کرده بود بر آمریکا. انگلیس و چین و اسرائیل و همه این‌ها... لکن این تکیه‌ها گفته‌است. آن تکیه‌گاهی غیرسـت و سنگین‌و مستحکم است که خدا باشد.»

عرفات دهه ۷۰ و همچنین سال‌هایی از دهه ۸۰ میلادی را با همان شـعارهای دائم مبارزه اخراج دشمن از ارض، کوچ به لبنان و بعدها تبعید از این کشور پشت سر گذاشت. در حالی که مواضعش نسبت به ایران، مسـئله صلح و سازش با صهیونیست‌ها و مقاومت، کم‌کم تغییر می‌کرد.

از اواسـط دهه ۸۰ پس از تبعید به تونس انگار از حیث سیاسی و مبارزاتی منزوی شد. هنوز خوش از رهبر فلسطین‌ها می‌دانست اما دسـتهای پشت پرده سیاست. اسرائیل و همپیمانان غربی‌اش، عرفات را از صحنه خارج و به مهره‌ای کم‌خاصیت تبدیل کردند. مردم فلسطین هم که اعتماد خود را به سیاستمداران و رهبران سیاسی - نظامی پیشین از دست دادند. جنبش «انتفاضه» را به راه انداخته و دست خالی می‌جنگیدند.

سال ۱۹۸۸ مجبور شد با شـعارهایی مثل: «آرمان آزادی‌بخش فلسطین از توریسـت‌ها حمایت نمی‌کند» و «صـلاح فلسطین باید فلسطینی بماند» قید مبارزه و مقاومت را بزند و خودش را بیندازد وسط بازی سازش که برخی سران عرب با حمایت و تشویق آمریکا و اسرائیل آن را کلید زده بودند. یادش این نقش آفرینی سازشکارانه را سال ۱۹۹۲ با جایزه صلح نوبل دریافت کرد تا غرب و اسرائیل از او یک قهرمان بسـازند ـ سال ۲۰۰۰ اما صهیونیسـت‌ها قهرمان صلح را در خاطرات حبس کردند. ۲۰۰۲ آمریکایی‌ها بایکوتش کردند. ۲۰۰۴ به بیمارسـتان منتقل شد و چند روز بعد ترد... همسرش بعدها درخواست نبش قبر و نمونه‌برداری از جسد را داد. آزمایشگاه سـوئیس وجود مواد رادیواکتیو در اسـتخوان او را ۱۸ برابر حد معمول اعلام کرد. حتی خاک اطراف جسـد او به‌شدت آلوده بود. تا چند سال بعد جنجال بر سر مرگ او ادامه داشت. مثل جنایت و اشغال‌گری اسـرائیل که ادامه دارد. مثل مقاومت مردم فلسطین که هنوز هم تمامی ندارد.

گزارش روز

درس‌های کوی

عنفرخواهی به موقع وزارت علوم در کنار ورود جدی دستگاه قضایی و پلیس، موجب کاهش التهاب و احساس امنیت دانشجویان پس از قتل غم‌انگیز امیر محمد خالقی توسط زنجیرگوران شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از صبح نو، حادثه تلخ و ناگوار قتل امیرمحمد خالقی، دانشجوی دانشگاه تهران، بار دیگر زنگ خطر افزایش سرقت‌های خشن و زورگیری را در پایتخت به صدا درآورد. این اتفاق که در حوالی خوابگاه کوی دانشگاه رخ داد، امنیت روانی دانشجویان و شهروندان را به شدت تحت تأثیر قرار داده و موجی از نگرانی را در جامعه ایجاد کرده است. واکنش‌های گسترده دانشجویان، مسئولان دانشگاه، دولت و نهادهای انتظامی نشان‌دهنده اهمیت این موضوع و لزوم بررسی جدی آن است.

جزئیات حادثه و واکنش دانشجویان

چهارشنبه‌شـب امیرمحمد خالقی، دانشـجوی برجسته رشته هوش مصنوعی دانشگاه تهران، در حین بازگشت از محل کار خود، در منطقه امیرآباد مورد حمله دو سـارق زورگیر قرار گرفت. سارقان، ضمن سرقت وسـایل شخصی او، وی را با ضربات چاقو به شدت مجروح کردند. متأسفانه ضربات وارده به مجاری تنفسی این دانشجوی جوان، باعث شد که وی در بیمارستان شریعتی جان خود را از دست بدهد. در پی وقوع این حادثه، دانشجویان دانشگاه تهران جمعه در محوطه کوی دانشگاه تجمع کردند و خواهان افزایش امنیت خوابگاه‌ها و رسیدگی سریع به این موضوع شدند. این تجمع که حدود دو ساعت به طول انجامید، با درخواست‌های جدی دانشجویان برای برقراری امنیت، برخـورد با عاملان حادثه و پاسـخگویی مسئولان دانشگاه همراه بود.

حضور سرپرست دانشگاه تهران و وعده‌های پیگیری

در واکنش به این تجمع، سرپرست دانشگاه تهران در میان دانشجویان حاضر شد و ضمن ابراز همدردی با دانشجویان، وعده داد که از روز شنبه در جلسـاتی کارشـناسـی، به مطالبات آنان رسیدگی شود. این اقدام که در گذشته کمتر شاهد آن بودیم، گامی در جهت تعامل دانشگاه با دانشجویان تلقی می‌شود. سرپرست دانشگاه تأکید کرد که تمامی لعاد این حادثه به دقت بررسی خواهد شد و تصمیمات لازم برای افزایش امنیت خوابگاه‌ها و محوطه دانشـگاه اتخاذ خواهد شد. اما دانشجویان انتظار دارند که این وعده‌ها در سریع‌ترین زمان ممکن به نتیجه برسد و اقدامات عملی برای جلوگیـری از تکرار چنین فجایعی صورت گیرد. درعین حال آقای سرپرست اظهارات عجیبی هم داشت که در ادامه‌ی گزارش به آن پرداخته می‌شود.

دستور دولت برای پیگیری ویژه حادثه

دولت چهارشنبه که او آغاز فعالیت خود، بر حضور در میان مردم و توجه به مطالبات عمومی تأکید داشته است. در این حادثه نیز واکنش سریع نشان داد. معاون اول رئیس‌جمهور، در پیامی به وزیر کشور، دستور بررسی دقیق این حادثه را صادر و بر اهمیت امنیت دانشجویان به‌عنوان آینده‌سازان کشور تأکید کرد. همچنین، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در مراسم یادبود این دانشجو حضور یافت و ضمن عنفرخواهی از مردم و جامعه دانشگاهی، این حادثه را تلخ و دردناک توصیف کرد. حسین سیمایی صراف، ضمن ابراز همدردی با خانواده این دانشجو، اعلام کرد که اسـتعفای مدیر امور خوابگاه‌های دانشگاه تهران، پذیرفته شده اسـت. این اقدام در پاسخ به انتقادات گسـترده درباره ضعف مدیریت در تأمین امنیت خوابگاه‌ها صورت گرفته است.

مدیر کوی دانشگاه تهران استعفا کرد

وزیر علوم افزود: «مدیریت خوابگاه‌های دانشـگاه تهران استعفا و عنفرخواهی کرد. گرچه باید مطلع باشـید که دانشگاه تهران چند مکاتبه با کلانتری مرتبط و مربوطه داشـته اسـت.» وی اظهار کرد: «ما نمی‌خواهیم الان ساب مسئولیت کنیم، ولی اقداماتی هـم صورت گرفته و به چند دنبال تأمین امنیت دانشجویان هستیم. همین امروز کیوسک نیروی انتظامی در دو نقطه آسـیب‌پذیر دانشگاه نصیبی‌شود».

تدابیر امنیتی در محل قاتل دانشجو

وزیر علوم ادامه داد: «همچنین روشـنایی منطقه مذکـور همین امروز تأمین می‌شـود. دوربین در خارج از محیط دانشـگاه برای تأمین امنیت معابر دانشـجویان عزیز ما طی یکی دو روز آینده حتما نصب خواهد شـد و به‌محل آن‌ها به نتیجه رسیدن پرونده قضایی خود من شخصا پیگیر خواهم بود.» سـیمایی صراف افزود: «به‌محل مجددا تسـلیت می‌گویـم و بابت این ماجـرا عنفرخواهی می‌کنم. امیدوارم که دیگر شاهد این صحنه‌ها نباشیم.» وی تصریح کرد: «همین امروز به رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور ابلاغ کردیم متناظر با این جلسه‌ای که مادر دانشگاه تهران داشـتیم حتما با نیروی انتظامی، نیروهای قضایی استان، علما و شهرستان‌ها جلسه برگزار کرده و درباره تأمین امنیت خوابگاه‌ها و تأمین امنیت پردیس‌ها جلسه داشته‌باشند».

هیچ دانشجویی بازداشت نشده است

وزیر علوم درباره دانشـجویان بازداشتی در تجمع اخیر دانشجویان گفت: «در این خصوص نیروهای امنیتی و انتظامی سریعا اعلام کردند که هیچ مورد بازداشتی وجود نداشته‌است.» سیمایی صراف افزود: «همچنین از تیم پزشکی هم تشکر می‌کنم من با رئیس بیمارسـتان شریعتی صحبت کردم، گزارش پرونده پزشـکی این دانشجوی عزیزمان را گرفتم، به محض اینکه این عزیزمان به بیمارسـتان منتقل شده اقدامات پزشکی شروع شده و تمام سعی خود را برای معالجه و درمان این دانشجوی عزیز به کار گرفتند. ولیکن ۷ صبح متأسفانه دیگر درمان‌ها، معالجات و جراحی‌ها جواب نداده و این دانشجوی عزیز از دست ما رفت که جای بسیار تأسف و تأثر دارد.»

ورود پلیس و دستگاه قضایی به موضوع

پس از انتشار خبر درگذشت این دانشجو، فرماندهی کل انتظامی کشور دستور پیگیری ویژه این پرونده را صادر کرد. تیم‌های ویژه پلیس آگاهی مأموریت یافتند تا دارا سرقت رفت سارقان را شناسایی و دستگیر کنند. سردار سعید منتظرالمهدی، سخنگوی پلیس تأکید کرد: «پیـاری از مجرمان جرائم خشـن، سوابق متعددی دارند و بارها بازداشت شدهاند، اما به دلیل ضعف قوانین بازدارنده مجددا مرتکب جرم می‌شـوند.» وی از مراجع قانون‌گذاری خواست تا قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای مقابله با سرقت‌های خشن وضع کنند.

ضرورت اقدام فوری بـرای افزایش امنیت دانشجویان

حادثه قتل امیرمحمد خالقی، نشان داد که امنیت دانشجویان، به‌ویژه در اطراف خوابگاه‌ها با چالش‌های جدی مواجه اسـت. دانشـجویان انتظار دارند که دانشگاه تهران و نهادهای مسئول، با اجرای تدابیر امنیتی نظیر افزایش گشـت‌های انتظامی، نصب دوربین‌های نظارتی بیشتر و اصلاح مسیرهای تردد دانشجویان، از تکرار چنین حوادثی جلوگیری کنند. اکنون چشم امید دانشجویان و جامعه دانشگاهی به اجرای سـریع و مؤثر وعده‌های مسئولان است. بی‌تردید، شفافیت در پیگیری این پرونده، مجازات سـریع و قاطعانه مجرمان و اجـرای برنامه‌های امنیتی جدید، می‌تواند فضای دانشگاه را به سمت آرامش و اعتماد متقابل سوق دهد. حادثه دردناک جان باختن امیرمحمد خالقی، دانشجوی دانشگاه تهران، در پی حمله سـارقین مسـلح در نزدیکی خوابگاه کوی دانشگاه، موجی از اندوه و نگرانی را در جامعه دانشگاهی ایجاد کرد. در پی این رویداد تلخ، در کمال تعجب، سرپرست دانشگاه تهران به جای اتخاذ رویکردی مدیریتی، با اظهاراتی نامربوط درباره وقایع سـال ۷۸ در کوی دانشگاه فضا را به حاشیه برد. در شرایطی که دانشجویان به دنبال امنیت و بهبود شرایط رفاهی در دانشگاه هستند، اظهارات نادرست سرپرست دانشگاه تهران، نه‌تنها پاسخی به مطالبات آنها نـداد، بلکه زمینه بروز تنش‌های جدید را فراهم کرد. حسینی، سرپرست دانشگاه به جای ایفای نقش یک مدیر با مصوح این کردن اظهاراتی عجیب و ادعایی عجیب‌تر مبنـی بر ورود افرادی موسوم به «اباس شـخصی‌ها» بزرین روی آتش قدوه دانشجویان ریخت. چنین اقدامی نه‌تنها به حل بحران کمک نکرد، بلکه موجب تشدید خشم و نارضایتی در بین دانشجویان شد. دانشگاه باید مکانی برای حل مشکلات و یادگیری باشد نه بستری برای منازعات سیاسـی! اما متأسفانه، سرپرست دانشگاه تهران با بازگشـایی پرونده‌های قدیمی به جای مدیریت بحران، موضوعات را سیاسـی کرد. در حالی که دانشـجویان به دنبال بهبود وضعیت امنیتی و رفاهی خود هستند، طرح مسائل سیاسی و تاریخی نامرتبط، نشان از تلاش برای منحرف کردن افکار عمومی دارد. چنین رویکردی نه‌تنها کمکی به حل مشکلات دانشجویان نمی‌کند، بلکه اعتماد به مدیریت دانشـگاه را کاهش داده و زمینه‌ساز بروز اعتراضات بیشتر خواهد شد.

در عین حال اما عملکرد وزارت علوم در این بحران قابل توجه و مثبت ارزیابی می‌شود. وزارت علوم در این ماجرا رویکردی مسـئولانه و هوشمندانه در پیش گرفت. حضور وزیر علوم در مراسـم یادبود عنفرخواهی برای دانشجویی از جامعه دانشگاهی و مردم و استعفای مدیر امور خوابگاه‌های دانشگاه تهران، همگی نشـان‌دهنده تـلاش وزارت علوم برای پاسـخگویی و تقدیری به مسئولیت‌های حوادث این بحران بود. حسین سـیمایی صراف، وزیر علوم با ابراز تأسف عمیق از این حادثه، اعلام کرد که مسئولان دانشگاه نباید در قبال چنین اتفاقاتی بی‌تفاوت باشـند و پیگیری‌های لازم برای تأمین امنیت دانشـجویان باید در اولویت قرار گیرد. این موضع‌گیری شفاف و قاطعانه، تا حدودی توانست فضای ملتهب دانشگاه را آرام کند و نشان دهد که حداقل در سطح وزارت علوم، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی به مطالبات دانشجویان در جریان است.

در کنار این اقدامات دستور رسیدگی ویژه به این حادثه و پیگیری جدی مطالبات دانشـجویان از سوی وزارت علوم و ورود دستگاه قضایی و پلیس، یک گام مثبت در جهت بازگرداندن اعتماد به بدنه دانشگاهی اسـت. این چند نهاد نشان دادند که به جایگاه دانشجویان و دغدغه‌های آنان واقف هسـتند و به دنبال راهکارهای عملی برای افزایش امنیت و بهبود شرایط رفاهی آنان می‌باشند.

دیدگاه

به عصر هیولاها خوش آمدید!

«جهان قدیمی می‌میرد و جهان جدید در حال تولد است. اکنون زمان هیولاها است. این جمله معروف که اغلب به آنتونیو گرامشی نسبت داده می‌شود، در شرایط کنونی جهان خیلی محسوس به نظر می‌رسد. در شرایط فعلی، نظم بین‌المللی که قرن گذشته را تعریف می‌کرد، تغییرات جدی را متحمل شده است.

ایـن نظم تحت تأثیر دو رویداد مهم، شـکل و شـمایل خود را یافته اسـت. اول، پس از سال ۱۹۴۵ شاهد شکل گیری نظام بین‌الملل کنونی دنیا بودیم. این نظم بین‌المللی از رهگذر تأسیس سازمان ملل متحد و نهادهای برتون وودز امکان موجودیت پیدا کرد. رویداد دوم مربوط به سال ۱۹۸۹ می‌شود که در قالب آن شاهد فروپاشی دیوار برلین بودیم و بر پایه آن، پیروزی غرب در قالب جنگ سرد اعلام شد.

از آن زمـان تاکنـون، ما در یـک چهلت تک قطبی زندگی کردهایم کـه ویژگی بارز آن حد بالایی از ادغام شـدگی بین‌المللی اسـت. قواعد و هنجارهایی که روابط اقتصادی بین‌المللی را شکل داده‌اند تحت تضمین‌های امنیتی آمریکا بوده و ریشه در این باور داشته‌اند که همگرایی و وابستگی متقابل اقتصادی می‌تواند بر رقابت‌های ژئوپلیتیکی فائق آید و رشد و رونق را به بار آورد.

جهان امروز بسـیار متفاوت است. اکنون با جهانی چنـد قطبی طرف هسـتیم کـه در قالب آن بازیگرانی نظیر چین، روسیه، هند، ترکیه، برزیل، آفریقای جنوبی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، نظم جهانی قدیمی را به چالش می‌کشند. البته که طیفی از دیگر بازیگران نیز در این رابطه وجود دارند که خواسـتار ایجاد یک نظم جدید جهانی و البته برخـورداری از صدایی بلندتر در قالب معادلات بین‌المللی هستند.

در عین حال، اعتقاد به ارزش‌های جهانی و ایده جامعه بین‌المللی نیز تا حـد زیادی کمرنگ شده است. در این رابطه برخی به طور خاص به رایکاری کشورهای ثروتمند در بحبوحه پاندمی کرونا اشاره می‌کنند که واکسن‌های این بیماری را احتکار می‌کردند. در عین حال، واکنش‌ها به جنگ اوکراین و البته شیوه حمایت از غیرنظامیان در جریان جنگ‌های غزه سـودان و بسیاری از دیگر کشورهای جهان نیز با انتقادات جدی همراه بوده است.

آنچـه وضعیت را بدتر می‌کنـد، مواضع دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا اسـت که تهدید کرده آمریکا از تضمین‌های امنیتی که سال‌ها به اروپا و ژاپن و دیگر کشورها و نهادها ارائه می‌کرد، عقب نشینی خواهد کرد و در عوض، جنگ‌های تجاری گسترده‌ای را به دوستان و دشمنان آمریکا به صورت یکسان تحمیل می‌کند. وقتی ضامن بقای یک نظم بین‌المللی از تعهدات خود عقب می‌نشیند، به اتفاق می‌افتد؟

امکان دارد که ما در حال حرکت به جهانی باشیم که در آن، زور جای قواعد و هنجارها را می‌گیرد. جهانی که شرایط بسـیار سختی را برای کشورهای کوچکتر نوید می‌دهد. در عین حال، امکان دارد که جهانـی با وجود بلوک‌های منطقه‌ای بزرگ را شـاهد باشیم که در قالب آن، آمریکا نیمکره جغرافیایی پیرامونی لش را تسـخیر می‌کند و چین نیز شـرق آسـیا را به کنترل در می‌آورد. روسـیه نیز در این نظم جدید جهانی کنترلش را بر سرزمین‌های شوروی سابق احیا می‌کند از نقطه نظر آرمانی نیز امکان دارد که ما به سمت یک نظم جهانی قاعده محور حرکت کنیم که به نحو صریح‌تری وقعیت‌های جهان چندقطبی را به نمایش می‌گذارد.

ما بایدایـن نکته را درک کنیم که چرا نظم قدیمی جهان دچار شکست شده است. برای کشورهای در حال توسـعه، نظام بین‌الملل نتوانسـت به آن‌ها وزن و صدای خاص خودشـان را بدهد نه در سازمان ملل متحد و نه در نظام برتون وودز، این کشـورها چندان به حسـاب نمی‌آیند در اقتصادهای پیشرفته، یک مولفه نادیده گرفته شده، شکسـت قراردادهای اجتماعی در سطح ملی جهت سازگاری با تحولات مختلف در اقتصاد جهانی بوده است.

قراردادهای اجتماعی (قواعد، هنجارها، حقوق، و الزامات تضمین کننده انسـجام ملی و ثبات سیاسی) همه چیز را از اینکه چگونه خانواده‌ها سازمان می‌یابند تا اینکه چگونه جالش‌های نظیر بیکاری بیماری و پیری را باید مخاطب قرار داد دربرمی گیرند. ناکامی این ترتیبات جهت تامین رشد و رونق اقتصادی، امنیـت و ایجاد هویت مشترک به طور خاص در اقتصادهای پیشرفته، وضعیت حاد و وخیمی دارد. کشورهایی که خود زمانی معمار آن و حافظان نظم قدیمی بودند.

تغییر نسلی در انتظارات

تحولات اجتماعی داخلی بر نظم بین‌المللی از دو طریق اثرگذاری دارند. اول، دریک جهان درهم تنیده مسـائل داخلی و خارجی اغلب دو روح در یک تن قلمداد می‌شوند. بازارهای کار تحت تاثیر تحولات اقتصادی جهانی هستند و روندهای اجتماعی و فرهنگی به کشـورهای مختلف از طریق رسانه‌های جمعی نفوذ می‌کنند. در عین حال، سیاست‌های یک کشـور بر پروندها در دیگر کشورها اثرگذاری صورت دارد.

نکته دوم اینکه رویکرد مردم نسـبت به قرارداد اجتماعـی در خانه بر اقراکات آن‌هـا در مورد مسـائل بین المللی اثر می گذارد. هنگامی که افراد از نظر اقتصادی حس خوبی دارند و خود را مرفه می‌دانند، این احتمال که آن‌ها از اقتصادها و جوامع باز حمایت کنند و به نحوی سخاوتمندانه با هموطنان و دیگران در سطح جهان رفتار کنند، بیشتراست.

به نحو متناقضی، کشورهایی که نظم جهانی را ساخته‌اند و بیشترین منافع را از آن برده‌اند، اکنون بایبشترین فشارها از ناحیه قرارداد اجتماعی خود و البته واکنش‌های داخلی علیه جهانی سازی و همکاری‌های بین المللی روبه‌رو می‌روند. در کپن دینامیسم اغلب برای اقتصاددان سخت است، زیرا علم اقتصادی ریشه در ایده‌های مثبت دارد. به عنوان مثال علم اقتصاد می‌گویند که کشورها از تجارت سـود می‌برند یا رقابت برای مصرف کنندگان خوب اسـت و سیاست‌های مرتبط با تقویت بهره وری می‌تواند وضعیت جوامع را بهتر کنند

اقتصاددان کمتر فکر میتنی بر بازی یا حاصل جمع صفر دارند. تفکری که معتقد اسـت بُرد یک طرف به قیمت باخت دیگری اسـت. این رویکرد پاشنه آشیل سیاسـتگذاری‌ها در سال‌های گذشته بوده و چشم بر جلب حمایت سیاسی از سیاست‌های اقتصادی بسـته است.

باید توجه داشت که انسان‌هایی که در دوره‌های رشد ضعیف اقتصادی و بسیج اجتماعی محدود رشد می‌کنند، بیش از همه مستعد بر خورداری از رویکردهای مبتنی بر بازی یا حاصل جمع صفر هسـتند با توجه به اینکه اقتصادهای پیشرفته در رکود هسـتند و بسیج اجتماعی آن‌ها کاهش یافته، حمایت از سیاسـت‌های مبتنی بر بازی یا حاصل جمع صفر در این دسـته از کشورها افزایش یافته و این مسـاله موجب شده تا شاهد ظهور رهبرانی باشیم که وعده حمایت از مردم خود در برابر تهدیدات خارجی را می‌دهند.

بر پایه یـک پژوهش که توسـط اقتصاددان دانشـگاه‌های هاروارد و مدرسه اقتصادی لندن انجام گرفته، ریشه‌ها و پیامدهای شیوه فکری مبتنی بر بازی یا حاصل جمع صفر در جهانِ نسل آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش به این مسـاله اشاره می‌کند که ذهنیـت مبتنی بر بازی یا حاصل جمع صفر قویا رویکردهایی بخاطر رویه‌های نژاد پرستانه و یا مسائل مرتبط با تبعیض جنسیتی و همچنین اتخاذ سیاسـت‌های محدودکننده مهاجری را تجویزمی کنند. این مساله سبب می‌شود تا حرف زدن از ظهور عصر هیولاها چندان بیراه نباشد.

برش

نسل زد در محل کار؛ الهام بخش یا کابوس؟

آیا نسل جدید کارمندان، با انتظارات و ارزش‌های متفاوتشان، نظم کاری را مختل می‌کنند یا فضای سازمان‌ها را به سمت تحول و نوآوری سوق می‌دهند؟ شاید جواب این سؤال پیچیده‌تر از چیزی باشد که فکر می‌کنید.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تبیان، نسل زد، دهه هشتاد و اواخر دهه هفتاد به دنیا آمدند؛ با اینترنت و فناوری‌های دیجیتال رشـد کردهاند و نگرش‌های کاملاً متفاوتی نسبت به کار و محیط کاری دارند. آن‌ها به دنبال آزادی در انتخاب زمان و مکان کار هسـتند و تمایلی به چهارچوب‌های سخت‌گیرانه‌سنتی ندارند.

نسلی که قواعد کار را زیرورو کرده است

برای نسـل زد، ابزارهای دیجیتال تنهاابزار کار نیسـتند، بلکه زبان ارتباطی آن‌ها با دنیای پیرامون محسوب می‌شوند. بنابر گزارش مک‌کینزی، بیش از ۷۰ درصد این نسـل به محیط‌های کاری انعطاف‌پذیر و امکان دورکاری تمایل دارند. این نگاه، برای سازمان‌هایی چالش‌برانگیز است که هنوز به ساختارهای ثابت و حضور فیزیکی کارکنان پایبندند. این نسـل به سرعت با تغییرات سازگار می‌شود و انتظار دارد که محیط کاری نیز چنین قابلیتی داشته باشد. در عین حال، آن‌ها تمایل دارند که صدایشان شـنیده شـود و نقش فعال‌تری در تصمیم‌گیری‌های سازمانی ایفا کنند.

چالش کارفرمایان سنتی: نسل هزاره چه کنند؟

برای کارفرمایان نسـل هزاره (یعنی دهه شـصتی‌ها تا اوایل دهه هفتاد) که به قوانین و نظم سـنتی عادت دارند، بنابر گزارش مک‌کینزی، بیش از ۷۰ درصد این نسل به محیط‌های کاری انعطاف‌پذیر و امکان دورکاری تمایل دارند. این نگاه، برای سازمان‌هایی چالش‌برانگیز است که هنوز به ساختارهای ثابت و حضور فیزیکی کارکنان پایبندند. این نسـل به سرعت با تغییرات سازگار می‌شود و انتظار دارد که محیط کاری نیز چنین قابلیتی داشته باشد. در عین حال، آن‌ها تمایل دارند که صدایشان شـنیده شـود و نقش فعال‌تری در تصمیم‌گیری‌های سازمانی ایفا کنند.

چطور کنار بیاییم؟ راهبردهای سازگارانه

اولین گام برای سـازگاری با حضور نسـل زد در محیط کار، بازنگری در سـاختارهای کاری و ایجاد سیاسـت‌های منعطف است. فراهم کردن امکان دورکاری و ترکیب سیاسـت‌های کاری سنتی و نوآورانه می‌تواند به کاهش تنش کمک کند. بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال مانند پلتفرم‌های مدیریت پروژه نیز می‌تواند ارتباطات و همکاری میان کارکنـان را بهبود دهد. این ابزارها به نسـل زد اجازه می‌دهند تا به شیوه‌ای پویا و کارآمدتر فعالیت کنند. ایجاد محیطی که هر دو نسل احساس راحتی کنند، کلید موفقیت است. شرکت‌هایی که به فرهنگ سازمانی خود انعطاف‌پذیر می‌بخشند و فضایی برای شـنیدن نظرات مختلف ایجاد می‌کننده‌می‌توانند از پتانسیل این نسل بهره‌بیشتری ببرند.

آموزش مهارت‌های بین‌نسلی؛ پلی برای آینده

یکـی از بهترین راه‌ها برای تقویت همکاری بین نسـل‌ها، برگزاری دوره‌های آموزشی مهارت‌های نرم است. این آموزش‌ها می‌تواند شامل مدیریت تعارض، ارتباط مؤثر و آشـنایی با فناوری‌های نوین باشد. برنامه‌های آموزشی که در آن کارکنان نسل هزاره تجربیات خود را به نسل زد انتقال دهند، فرصتی برای یادگیری متقابل ایجاد می‌کنند. این برنامه‌ها علاوه بر کاهش شکاف نسلی، باعث افزایش همکاری و همدلی میان کارکنان می‌شوند.

از چالش به فرصت

بر اسـاس این گزارش، حضور نسل زد در محیط کار، اگرچه ممکن اسـت در ابتدا چالشی پرتنش به نظر برسد، اما با رویکردی درست می‌تواند به فرصتی برای رشـد و نوآوری سازمان‌ها تبدیل شود. این نسـل با نگرش‌های تازه خود می‌تواند به سازمان‌ها کمک کند تا در شیوه‌های نوآورانه‌تری فعالیت کنند و پاسخگوی نیازهای متغیر بازار باشند. شـرکت‌هایی که به دنبال حفظ رقابت‌پذیری خود هسـتند، باید به تغییرات فرهنگی و نسـلی توجه کنند. پذیرش دیدگاه‌ها و انتظارات نسل زد نه‌تنها به بهبود فرهنگ سازمانی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به جذب و حفظ استعدادهای برتر نیز منجر شود. در نهایت، حضور نسل زد در محیط‌های کاری یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر است. سازمان‌هایی که می‌توانند با این نسل سازگار شوند و فضای همکاری مبتنی ایجاد کنند، از مزایای بی‌شماری بهره‌مند خواهند شد. این مزایا شامل افزایش نوآوری، بهبود فرهنگ سازمانی و پاسخگویی بهتر به تغییرات محیطی است. بنابراین، به جای مقاومت در برابر تغییرات ناشی از حضور نسل زد، بهتر است با اتخاذ رویکردی باز و منعطف به استقبال این تحول نسلی رفت و از